

The Cultural, Social, and Urban Impacts of Establishing and Founding Baladiyah in the First Pahlavi Era in the Astarabad Region

1. *Ahmad. Sardarzadeh Majd*

2. *Amir. Akbari**

3. *Rajabali. Vosoughy Motlagh*

1. PhD Candidate, Department of History, Bojnord Branch, Islamic Azad University, Bojnord, Iran

2. Assistant Professor, Department of History, Bojnord Branch, Islamic Azad University, Bojnord, Iran

3. Assistant Professor, Department of History, Bojnord Branch, Islamic Azad University, Bojnord, Iran

Email: Amirakbari84@yahoo.com Received: 27.02.2023 Acceptance: 10.01.2024

*Journal of
Social-Political Studies of
Iran's Culture and History*

eISSN: 2980-9770
<http://journalspsich.com>
Vol. 2, No 4, Pp: 187-201
Winter 2023

Original research article

How to Cite This Article:

Sardarzadeh Majd, A., Akbari, A., & Vosoughy Motlagh, R. (2023). The Cultural, Social, and Urban Impacts of Establishing and Founding Baladiyah in the First Pahlavi Era in the Astarabad Region, *spsich*, 2(4): 187-201.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

Abstract

Astarabad, known today as Gorgan, emerged as a military fortress in northern Iran during the Sasanian era and has always been recognized as one of the important cities and centers in northern Iran. The settlement of various ethnic groups, including Persian, Turkmen, Turk, Kurd, Baluch, Sistani, Kazakh, Khorasani, etc., who gradually migrated to this region, created a mosaic of ethnicities, leading to mutual influence of different cultures and traditions on one another, turning this region into a microcosm of Iran. In the late Qajar period, the Constitutional Revolution had a profound and rapid impact on this region as a fundamental movement. The general discontent of the local population with the behavior of the Qajar Khans in Astarabad, given the settlement of some of the nobility of this dynasty in this area, as well as the presence and influence of scholars and intellectuals in society, were among the main reasons for intensifying the effectiveness of the aforementioned movement. In these circumstances, the modernist policies and reformist tendencies of the First Pahlavi, and consequently the implementation of the Baladiyah law in Astarabad, like other cities, led to not only an alteration in the urban landscape and the establishment of

infrastructural developments but also deep social and cultural changes and transformations in the behavior of people, especially the middle class in Astarabad.

Keywords: Baladiyeh, Pahlavi, Astarabad, Social Transformations

اثرات فرهنگی، اجتماعی و عمرانی استقرار و تأسیس بلدیه در عصر پهلوی اول در منطقه استرآباد

احمد سردارزاده مجد¹
امیر اکبری^{2*}
رجبعلی وثوقی مطلق²

1. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران
2. استادیار، گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

دریافت: 1401/12/08 | پذیرش: 1402/10/20 | ایمیل نویسنده مسئول: Amirakbari84@yahoo.com

فصلنامه علمی مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ و فرهنگ ایران

شاپا (الکترونیکی): 9770-2980
<http://journalspsich.com>
دوره 2 | شماره 4 | صص 187-201
زمستان 1402

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید

درون متن

(سردارزاده مجد و همکاران، 1402)

در فهرست منابع

سردارزاده مجد، احمد، امیر، اکبری، و وثوقی مطلق، رجبعلی. (1402). اثرات فرهنگی، اجتماعی و عمرانی استقرار و تأسیس بلدیه در عصر پهلوی اول در منطقه استرآباد. مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ و فرهنگ ایران، 2(4): 187-201.

چکیده

استرآباد که امروزه گرگان نامیده می‌شود از عصر ساسانی و به صورت یک قلعه نظامی در شمال ایران تجلی یافت و همواره به عنوان یکی از شهرها و مراکز مهم در شمال ایران نمود داشته است. استقرار اقوام متعدد از جمله فارس، ترکمن، ترک، کرد، بلوچ، سیستانی، قزاق، خراسانی و... که به مرور زمان به این منطقه مهاجرت نمودند رنگین‌کمانی از اقوام و موجب اثر گذاری متقابل فرهنگ‌ها و سنن مختلف بر یکدیگر شده و این منطقه را به ایران کوچک بدل ساخته است. در اواخر دوره قاجار نهضت مشروطه به عنوان یک حرکت بنیادین تأثیر عمیق و سریعی در این منطقه داشته است. نارضایتی عموم مردم منطقه از رفتار خوانین قاجار در استرآباد با توجه به استقرار بخشی از بزرگان این سلسله در این دیار و همچنین حضور ادبا و روشنفکران و اثرگذاری ایشان در جامعه از سوی دیگر از دلایل اصلی تشدید اثر بخشی نهضت مذکور بوده است. در این شرایط سیاست‌های نوگرایانه و تجدد خواهی پهلوی اول و به تبع آن

اجرای قانون بلدیه در استرآباد، مانند سایر شهرها، علاوه بر تغییر ظاهر در حوزه شهرسازی و ایجاد زیرساخت‌های عمرانی موجب تغییرات و تحولات عمیق اجتماعی و فرهنگی و نوع رفتار مردم خصوصاً طبقه میانی در استرآباد گردید.

کلیدواژه‌ها: بلدیه، پهلوی، استرآباد، تحولات اجتماعی.

مقدمه و بیان مسئله

بلدیه به عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌ها و نظامات تشکیلاتی از ابتدا تاکنون دستخوش تحولات قرار گرفت و درواقع تکامل فعالیت‌های مربوطه و اثرات ناشی از آن علاوه بر ارتقاء و شفاف‌سازی نوع خدمات در شهرها نقش بی‌بدیلی نیز در حوزه‌های مختلف از جمله سامان‌دهی اصناف، تغییر سبک و روش زندگی افراد و به‌طور کلی زمینه‌ساز و منشاء تحولات اجتماعی و فرهنگی در مناطق مختلف از جمله منطقه‌ای استرآباد بوده است.

در دوره پهلوی اول فعالیت بلدیه به همراه سیاست‌های نوگرایانه رضا شاه موجب تغییرات در عرصه‌های گوناگون حیات اجتماعی ایران شد؛ از جمله‌ی این تغییرات، دگرگونی‌هایی بود که در عرصه‌ی شهری رخ نمود. دولت پهلوی اول براساس ایده‌ی نوسازی منطبق با الگوهای غربی، به تغییر شهرها همت گمارد. نوسازی عصر رضاشاه بر پایه‌ی سه رکن جدایی دین از سیاست، ملی‌گرایی و غرب‌گرایی بنا شد. دولت مطلقه‌ی مدرن پهلوی، خواستار اعمال حاکمیت و قدرت دولت مرکزی در سراسر ایران شد، تا هیچ قوم، زبان، و فرهنگی نتواند این حاکمیت را تضعیف کند. مبنای این حاکمیت، یکسان‌سازی قوانین، و اعمال قوانین نیز نیازمند وجود یک دولت ملی بود. در این تحقیق سعی بر آنست روند ساختاری نظام بلدیه و اثرات در این منطقه بر تحولات فرهنگی و اجتماعی بررسی گردد.

به‌طور کلی بررسی سوابق بیانگر این حقیقت است که منبع دقیق و منسجمی در این خصوص در منطقه مذکور و بازه زمانی مربوطه وجود ندارد اما درعین حال اطلاعات به‌دست آمده از منابع از آنجا که گروهی از نویسندگان آن‌ها، هم‌عصر مشروطه بوده و در بعضی موارد صحنه‌ها را از نزدیک دیده‌اند، جالب است. بیشترین اطلاعات از کتاب «مخابرات استرآباد» به‌دست آمده که گزارشگر آن تمام وقایع ریز و درشت منطقه را ثبت کرده است. در بعضی از مآخذ دیگر نیز، درهم‌آمیختگی اطلاعات، کپی‌برداری از یکدیگر، که گاه بدون ذکر منابع می‌باشد، تحلیل نکردن درست وقایع به جز در مواردی، و حتی آگاهی‌های نادرست که خواننده با مقایسه مطالب با منابع اصلی و معتبر، آن‌ها را در می‌یابد، فراوان است. اطلاعات مغشوش در کتاب «استرآباد و گرگان در بستر تاریخ ایران» نیز بسیار است.

بنابراین، درباره روند تغییرات نظام بلدیه در دوره پهلوی اول و اثرات آن در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، عمرانی و بهداشتی تحقیق مستقلی وجود نداشته است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، تحقیق تاریخ محلی استرآباد در بخشی از دوره معاصر تاریخ ایران می‌باشد و مانند بیشتر تحقیق‌های تاریخی، روش تحقیق در این پژوهش به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و استدلالی است.

اوضاع اجتماعی - اقتصادی در اواخر دوره قاجار

این‌که اوضاع درونی جامعه ایران در آستانه انقلاب مشروطه چگونه بوده، مسأله‌ای است که پرداخت به آن و طرح فهرست‌وار آن می‌تواند بحث‌های بعدی ما را روشن‌تر نماید. دوره سلطنت قاجاریه، دورانی است که حکومت ایران رو به انحطاط کامل رفته و نه تنها هر آن چیزی که نشانه‌ای از رشد و ترقی و تعالی است در داخل کشور از میان می‌رود بلکه استعمار به دنبال مطالعاتی که از دوران صفویه روی ایران نموده بود، جای پای خود را در این کشور مستحکم نموده، آن‌چنان در راه این مقصود به پیش می‌تازد که حتی کشور تا حد یک نیمه مستعمره سقوط می‌کند (نوروزی، 1366: 2).

شرایط اقتصادی

از لحاظ حکومتی یگانه اصلی که بر اوضاع مالی و اقتصادی کشور حکومت می‌کرد «فساد» بود. و تمام زوایای اقتصاد کشور فقط از این ریشه آب می‌خورد. به لحاظ یافته اقتصادی حاکم بر کشور، می‌توان گفت که بافت اقتصادی در این دوره، اقتصاد روستائی بود و مهم‌ترین سهم را در تولیدات داخلی، تولید زراعی تشکیل می‌داد که در اشکال مختلف مالکیت عمل می‌نمود.

شرایط اجتماعی

به این ترتیب یکی از بارزترین وجوه مشخصه دوران مورد بحث رشد شهرنشینی و میل به سمت ازدیاد جمعیت شهرها و آغاز تکوین و پیدایش گروه‌های جدید اجتماعی نظیر کارمندان، صاحبان مشاغل خدماتی، بازرگانان وابسته به محافل تجاری اروپا و... است؛ که در گذشته دارای اهمیت چندانی نبودند. ولی در طی این دوره تدریجاً به سمت ایجاد یک قشر اجتماعی جدید پیش رفتند. دو مسأله بیکاری و نوع خاصی از مهاجرت از دیگر نکات بارز ساختار اجتماعی - اقتصادی این دوره است.

مجموعه این عوامل که سبب پیدایش بیکاری، فقر نزدیک به مطلق بود، میل به مهاجرت را در میان آنانی که نوعی امکان جهت این کار را داشتند، ایجاد می‌کرد. آن‌گونه که عده‌ای از محققان برآورد کرده‌اند، ارقام قابل توجهی در این زمینه به دست آمده است.

توسعه اجتماعی در دوره پهلوی اول

پس از قدرت‌گیری رضاشاه در ایران و به سلطنت رسیدن او برنامه‌های متعددی جهت متجدد کردن و غربی‌سازی جامعه ایرانی صورت گرفت از آن جمله تأسیس مدارس جدید به شیوه‌ی اروپایی و نیز دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها، کارخانجات مدرن، شکل‌گیری نظام قضایی نوین و متأثر از مغرب زمین را می‌توان ذکر کرد، از سوی دیگر حکومت رضاشاه در جهت تحکیم وحدت ملی کشور و تقویت و استحکام هرچه بیشتر قدرت مرکزی و تضعیف جریان‌های گریز از مرکز کوشش‌های فراوانی داشت، تأسیس ارتش ملی قدرتمند و نوین و نیز دستگاه پلیس تسلط بر مجلس شورای ملی در جهت تحکیم اقتدار دولت، شکل‌گیری نظام اداری مدرن و تقسیمات کشوری جدید، خلع سلاح عشایر و تمشیت امور ایشان و سرکوب سران شورشگر آن‌ها را می‌توان از مهم‌ترین این اقدامات در جهت تقویت وحدت ملی کشور دانست، در واقع رضاشاه در پی تأسیس الگوی جامعه‌ای براساس دولت - ملت بود. تصمیم به یکسان‌سازی لباس مردان ایرانی و ملبس کردن ایشان به لباس‌های غربی را می‌بایست در چارچوب این دو موضوع یعنی تحکیم وحدت ملی و مدرن‌سازی جامعه تبیین و دریافت نمود (خسروی حامد، 1393: 2-4).

تاریخچه بلدیه

پس از استقرار مشروطیت در دوره اول مجلس، به تدریج افراد و موسساتی برای اداره و تنظیم امور شهری و ولایات معین شدند. مهم‌ترین و جامع‌ترین اقدامی که در این زمینه صورت گرفت تصویب «کتابچه قانون» در 20 ربیع‌الثانی 1325 ق. از سوی مجلس شورای ملی بود. با تصویب این کتابچه که مشتمل بر 108 ماده می‌شد زمینه قانونی مناسب و جامعی برای اجرای اصلاحات شهری و یا به تعبیر ماده اول آن، «برای حفظ منافع شهرها و ایفای حوایج اهالی شهرنشین و...» فراهم شد (بیات، 1300-1304: 11).

با این توصیف ایجاد ساختار تشکیلاتی، زمینه مساعدی را برای فعالیت‌های شهری بلدیه ایجاد نمود تا جایی که به مرور زمان و در سال 1304 ش. تشکیلات بلدیه شکل کامل‌تری به خود گرفت و سه اداره: ساختمان مهندسی و تنظیف، ارزاق و امور خیریه با دوایر و شعب مربوط به خود ضمیمه سه اداره اصلی: مرکزی، صحیه و معاونت و محاسبات شدند و نواحی تحت پوشش بلدیه (شامل: 4 ناحیه و زاویه مقدسه و شمیران) نیز صورت کامل‌تری به خود گرفتند (خمسشی، 1315-1286: 102) و در همین سال بود که بلدیه برای اولین بار چند خیابان تهران را با چراغ الکتریکی روشن ساخت. خیابان‌هایی که مطابق اسلوب جدید سیم‌کشی و روشن شدند عبارتند از: ناصریه - علاءالدوله - باب همایون - چراغ‌گاز - اسلامبول و چند خیابان دیگر (عاقلی، 1369: 107).

با توسعه و پیشرفت شهر در سال 1313 ش. عملیات توسعه و احداث معابر - خیابان‌سازی و ساختمان بلدیه تهران از آغاز فروردین ماه الی اواخر آبان‌ماه شامل موارد زیر می‌شد:

الف- توسعه و احداث معابر: 1- توسعه چندین کوچه در امتداد خیابان علاءالدوله 2- سنگ فرش شوسه. 3- آسفالت ریزی شوسه. 4- پیاده‌روسازی 5- شن‌ریزی و تسطیع معابر.

ب- ساختمان‌سازی در شهر و شمیران: 1- در این سال ساختمان تئاتر را شروع نموده که مساحت زیربنای آن بالغ بر 3500 متر و گنجایش 1200 نفر تماشاچی را داشت. نمای این ساختمان از سنگ مرمر با سنگ کامل جدیدی ساخته می‌شد 2- به‌طور متفرقه: ساختمان یک دستگاه گلخانه در 16 دستگاه 3- ساختمان آتشیاری در خارج شهر 4- ساختمان چند باب مستراح مردانه و زنانه در باغ ملی. 5- محصور نمودن قبرستان خارج دروازه حضرت عبدالعظیم و...

ج- احداث میادین و باغچه‌ها شامل: 1- ساختمان پل تجریش. 2- احداث میدان دروازه یوسف‌آباد به شکل مربع مستطیل به عرض 72 گز و طول 183 گز که در وسط آن باغچه‌بندی شده بود. 3- احداث میدان دروازه دولت به شکل مربع مستطیل به عرض 70 و طول 170 گز که در وسط آن باغچه‌بندی شده است (سالنامه پارس، 1314).

اقدامات بلديه در مازندران

یکی از اقدامات حکومت پهلوی اول، سازماندهی وضعیت بلديه‌ها^۱ (حییبی، 1384: 212) و برقراری آن در شهرهای مازندران بود که در پی ایجاد شبکه حمل‌ونقل و خطوط ارتباطی، تأسیس کارخانه‌ها، و برقراری تأسیسات جدیدی همچون هتل‌ها و کازینوها در برخی شهرها، همراه با جذب جمعیت افتتاح شد، اما تأسیس شتابان آن در همه شهرهای مازندران، همانند عملکرد حکومت در برخی از زمینه‌های نوسازی، با شتاب پیگیری نشد. گزارش‌ها حاکی از آن است که با گذاشت سه سال از آغاز حکومت پهلوی، بسیاری از شهرهای استان، همچنان از داشتن بلديه محروم بودند. همراه با شکایت مکرر اهالی شهرهای مختلف، برقراری بلديه‌ها در دستور کار قرار گرفت و به تدریج در شهرهای مختلف آمل، بارفروش، سای، اشرف (نیمع یوشیج، 1379: 136)، شاهی،^۲ فیروزکوه، رامسر و بابلسر افتتاح شدند.^۳ در 27 فروردین سال 1308، محمدرضا پهلوی ولیعهد شاه، در سفری که به بارفروش داشت در حضور رؤسای ادارات دولتی و تجار این شهر، سنگ‌بنای تأسیس بلديه را در شهر نصب کرد (عطاری کرمانی، 1386: 621)^۴. مهندس ساختمان بلديه‌ی بارفروش، سرداراف مهندس روسی

¹ تصویب قانون بلديه و تغییر نام بلديه به شهرداری در سال 1309 صورت گرفت.

² اطلاعات، سال 10، شماره 2376، پنج شنبه چهاردهم دی ماه 1313، ص 3.

³ شفق سرخ، سال 7، شماره 1085، یک شنبه سوم آبان ماه سال 1307، ص 2.

⁴ اطلاعات، سال 3، شماره 734، پانزدهم فروردین 1308، ص 3.

بود.^۱ کار ساختمان بلدیه در بارفروش در دهه 1310 ش به پایان رسید.^۲ درخواست برای تأسیس بلدیه در این شهر به سال 1304 ش بر می‌گشت که حاکم مازندران در صدد تأسیس آن در بارفروش برآمده بود.^۳

تا قبل از حکومت شبه مدرن پهلوی، خیابان‌ها و رودخانه‌های شهرها که آب مورد نیاز برای انجام فعالیت کشاورزی و آشامیدنی مردم و دام‌هایشان را تأمین می‌کرد، به دلیل رعایت نشدن وضعیت بهداشتی، آلوده به انواع بیماری‌ها بودند، بنابراین، از مهم‌ترین گام‌هایی که بلدیه‌ها باید در راه حفظ بهداشت عمومی بر می‌داشتند، توجه به نظافت و بهداشت معابر بود که روزانه مورد استفاده‌ی اهالی مازندران قرار می‌گرفت. عدم وجود بهداشت، از مهم‌ترین موضوعات شکایات اهالی مازندران درباره‌ی لزوم برقراری بلدیه در شهرها بود. چنان‌که در خرداد ماه سال 1306، جمعی از اهالی فیروزکوه با اشاره به جمعیت بیست هزار نفری این شهر به وضعیت نامناسب بلدیه در این شهر تأکید کرده و با اشاره به این‌که کوچه‌های شهر تبدیل به «مزبله‌دان» شده، خواستار تأسیس بلدیه در آن شدند.^۴ شکایت اهالی فیروزکوه می‌تواند بیان‌کننده این واقعیت باشد که حکومت وقت با وجود معرفی این منطقه روستایی به یک منطقه شهری، عملاً از ایجاد و تعریف نهادها و مؤسسات دولتی برای آن ناتوان بوده است. همچنین توجه ویژه رضاشاه به امور نظامی و اختصاص بودجه اعظم کشور به آن سبب گردید که سایر نهادهای دولتی برای انجام وظایف خود با کمبود اعتبار روبه‌رو شوند. فقدان بودجه کافی برای انجام عملیات نظافت معابر و خیابان‌های عمومی، سبب شده بود که بلدیه از انجام اقدامات مؤثر باز بماند که نارضایتی شدید مردم را در پی داشت. مانند اهالی آمل که در مرداد 1308، از کمبود بودجه‌ی بلدیه‌ی شهر که توانایی پاکسازی همه خیابان‌های شهر را نداشت. شکایت کردند.^۵ این درحالی بود که در طول سال 1305، بلدیه‌ی آمل به دلیل نداشتن بودجه تعطیل شده بود.^۶ این مشکلات، به اعتراض دست‌اندرکاران امور مازندران نیز منجر شد که از وزارت مالیه درخواست کردند، بودجه‌ی بلدیه‌ها را افزایش دهند و حتی عنوان کرده بود در صورت عدم همکاری با ایشان در این زمینه، شعبات بلدیه در استان را تعطیل خواهد کرد. اما در مقابل این اعتراض، اداره

^۱ اطلاعات، سال 3، شماره 788، بیست و دوم خرداد 1308، ص 2.

^۲ همان، سال 9، شماره 2290، شنبه بیست و چهارم شهریور ماه 1313، ص 3.

^۳ شفق سرخ، سال 4، شماره 435، یک شنبه بیست اردیبهشت ماه 1304، ص 2.

^۴ همان، سال 6، شماره 750، جمعه پنجم خرداد ماه سال 1306، ص 2؛ اطلاعات، سال 4، شماره 802، سیزدهم تیرماه 1308، ص 2.

^۵ همان، سال 5، شماره 1015، دوازدهم شهریور ماه 1309، ص 2.

^۶ همان، سال 5، شماره 511، جمعه سی ام اردیبهشت ماه 1305، ص 2.

مالیه این پرداخت را با اجازه خزانه‌داری کل امکان‌پذیر دانست.^۱ جمعی از اهالی مشهدسر نیز در سال 1305، در نامه‌ای به مجلس شورای ملی، خواستار رسیدگی به امور بلدی آنجا شدند. آنان از آلودگی‌های این بندر که گل و لای ناشی از آن باعث ایجاد مشکلات برای رفت و آمد اهالی در روزهای بارانی می‌شد، شاکی بودند (نوری، 1389: 49).

از جمله درآمدهای دریافتی دولت پهلوی از محل درآمدهای بلدی‌ها، عواید حاصل از عوارض «قپان‌داری»^۲ که از سال 1311 وضع شد، و همچنین مالیات بر محصولات مصرفی که به شهرها وارد می‌شد، بود. عواید حاصل از کوره‌پزخانه‌ها، مشروبات الکلی مانند شراب، آب جو، و مسافرخانه‌ها، مستغلات، کشتارگاه‌ها و تأسیس سینما و عوارض دریافتی مسافرت با اتوبوس، از جمله درآمدهای بلدی‌ها را تشکیل می‌داد.^۳

از موضوعات مشترکی که بلدی‌ها در شهرهای استان با توجه به بودجه‌ی اختصاصی، می‌بایستی به اجرای آن اقدام کنند، برقراری جشن‌های ملی همچون جشن‌های مربوط به سالگرد تولد رضاشاه و ولی‌عهد، و تأسیس سلسله‌ی پهلوی^۴ بود. همچنین ایجاد مریض‌خانه‌ها (نیمایوشیج، 1379: 133)، پاکسازی و بهداشت عمومی در معابر شهرها و رودخانه‌ها، تلاش برای رفع بیماری «گاومیری»^۵ برقراری «دارالمعجزه و دارالایتام»^۶، ساختمان‌سازی از قبیل راه‌سازی در بین شهرها و تسطیح معابر^۷ در درون خود شهرها و ایجاد ساختمان‌های جدید دولتی و تأمین روشنایی بود.^۸ از اقداماتی که در سال 1309 توسط بلدی‌ه‌ی بارفروش انجام شد، این بود که در جریان پیشرفت عملیات راه‌سازی در

^۱ همان، سال 3، شماره 722، چهارشنبه بیستم فروردین ماه 1309، ص 2.

^۲ اتاق تجارت، سال 4، شماره 57، اول اسفندماه 1311، ص 20.

^۳ سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک 240/377230، محل در آرشیو 1 بای 508، آمار درآمدهای دریافتی شعبه وصول عوارض شهرداری در مازندران، سمنان، دماوند و غیره، سال 1319، نوشته شده به وزارت کشور از سوی اداره امور شهرداری‌ها، دفتر آمار کل درآمدهای دریافتی شعبه وصول و عوارض شهرداری‌ها.

^۴ اطلاعات، سال 3، شماره 537، یکشنبه بیست و هفتم فروردین ماه 1307، ص 1.

^۵ شفق سرخ، سال 4، شماره 722، دوشنبه دوم فروردین 1306، ص 2؛ شماره 569، چهارشنبه بیست و نهم مرداد 1305، ص 2.

^۶ اطلاعات، سال 10، ش 2388، سه شنبه 25 دی ماه 1313، ص 1؛ همان، سال 15، شماره 4176، دوشنبه شانزدهم اردیبهشت ماه 1319، ص 3.

^۷ همان، سال 9، شماره 22580، سه شنبه شانزدهم مرداد ماه 1313، ص 3؛ همان، سال 9، شماره 2200، چهارشنبه نهم خرداد ماه 1313، ص 2؛ همان، سال 15، شماره 4176، دوشنبه شانزدهم اردیبهشت ماه 1319، ص 3.

این شهر، آن دست از دام‌های بی‌صاحب مانند گاو را که در خیابان‌های شهر پرسه می‌زدند را جمع‌آوری و ذبح نمود.¹

در دوره پهلوی اول و در طی جریان نوسازی که حکومت داعیه آن را داشت، سروسامان دادن به نظم و انضباط عمومی در شهرها، اقبال به برپایی بلدیه‌ها را بالا برد. در راستای رسیدن به این هدف، از سوی حکومت و نیز درخواست اهالی مازندران، بلدیه‌ها در برخی از شهرهای این استان (البته نه با شتاب یکسان) برپا شدند.

اقدامات بلدیه در استرآباد

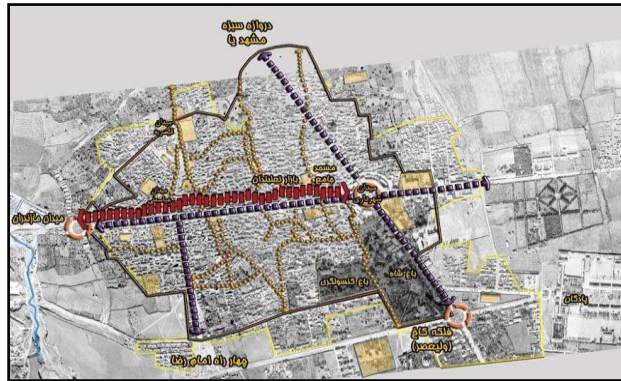
با شروع به کار سازمان بلدیه، از همان آغاز مشخص گردید که این سازمان با مسئولیت‌های وسیعی مواجه است. براساس موارد استخراج شده از اسناد، مطبوعات و خاطرات رجال، دسته‌بندی زیر انجام شده است:

1- اقدامات عمرانی

هم‌زمان با قلع و قمع اشرار و بالا رفتن امنیت شهرها، دروازه‌های شهری فرو ریخت، خندق‌ها پر شد، ورود اتومبیل موجب تأسیس خیابان‌های جدید گردید و سازمان بلدیه با تدوین قوانین جدید چهره شهرها را زیباتر و باشکوه‌تر ساخت. مهم‌ترین این اقدامات عبارتند از: تهیه نقشه برای هر شهر (اطلاعات، 1317: 4)، موظف شدن مالکین به پیاده‌روسازی (قهرمان میرزا سالور، 1379)، تسطیح، آسفالت، نهرسازی، گل و درخت‌کاری شدن خیابان‌ها (ایران، 1302: 1)، توسعه خیابان و کوچه‌ها؛ تدوین قانون ممنوعیت ساخت خانه‌های یک طبقه در کنار خیابان‌های مهم (اطلاعات، 1317: 2؛ اخگر، 1314)؛ تدوین قانون ترمیم خانه‌های نیمه‌ساز کنار خیابان (اطلاعات، 1318)، پلاک‌دار شدن خانه‌ها (اطلاعات، 1318)؛ رنگ کردن دیوارهای شهر (قهرمان میرزا سالور، ج 10: 7652)؛ برق‌کشی خیابان‌ها و کوچه‌ها و سپس نصب چراغ راهنمایی و رانندگی بر سر تمام چهارراه‌ها (اطلاعات، 1318: 2)، نصب ساعت‌های بزرگ در میادین شهرها (صحت، 1305: 27)؛ ساخت آگو و فاضلاب شهری (اطلاعات، 1317: 4)؛ ساخت مستراح‌های عمومی در سطح شهر (ایران، 1317: 4)، پل‌سازی، سدسازی و بازسازی پل‌های قدیمی؛ نصب تابلو اعلانات (اطلاعات، 1313: 3) ایجاد کیوسک‌های روزنامه‌فروشی (شش سال در دربار پهلوی، 1485: 4-123)؛ نصب تلفن عمومی؛ تأسیس آتش‌نشانی و اداره اطفائیه، ارایه خدمات حمل‌ونقل شهری؛ تأسیس سیستم اتوبوس

¹ همان، سال 5، شماره‌ی 1811، یکشنبه بیست و ششم مردادماه 1309، ص 1.

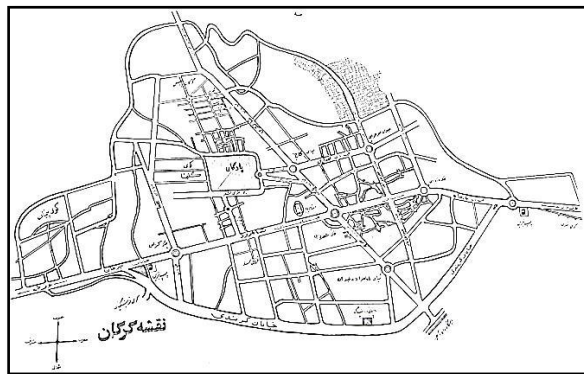
شهری و چاپ بلیط (اطلاعات، 1311: 2) و تنظیم قوانینی برای ضوابط اخلاقی رانندگان (اسنادی از انجمن‌های بلديه، تجار و اصناف، 1380: 246) و...



شکل 1. بافت شهر در انتهای دوره پهلوی اول (منبع: سازمان نقشه‌برداری کشور، عکس هوایی سال 1335)



شکل 2. توسعه شهر تا سال 1353 (منبع: آرشیو شهرداری گرگان - معاونت شهرسازی و معماری).



شکل 3. نقشه شهر گرگان - سال 1365 (منبع: آرشیو شهرداری گرگان - معاونت شهرسازی و معماری، 1393)

2- اقدامات فرهنگی

به دنبال تغییرات فرهنگی که در جامعه اتفاق افتاد، سازمان بلدیه با ارگان‌هایی همچون فرهنگستان ایران همراه گردید و منشأ تغییراتی از این دست شد: تغییر نام تابلو مغازه‌ها؛ مزین شدن اسامی کوچه‌ها به نام فضلا و علما، و بلدیه از مردم خواست کسی متقاضی نصب کاشی به نام خود نشود (طوفان هفتگی، 1307: 8)؛ تغییر نام خیابان‌ها از اسامی قاجاری به کلماتی همچون «سپه، رضا، پهلوی، شاه و شاه‌پور»، تغییر نام معابر شهری، مانند تغییر «پس کوچه به بن بست» و یا تبدیل «بند به دربند» (اطلاعات، 1308: 2)، حفاظت از ابنیه تاریخی شهرها؛ اجباری شدن تعرفه تحصیلی برای اصناف، جهت مقابله با بی‌سوادی (اخگر، 1317)، حمایت از صنایع دستی؛ ساخت تفرج‌گاه و باغ ملی؛ تأسیس نمایش خانه (اطلاعات، 1306: 1) تأسیس موزه (اخگر، 1309)، تأسیس کتابخانه (اطلاعات، 1315: 4) تأسیس مدارس فنی؛ اعزام محصل به خارج از کشور (اطلاعات، 1315: 4) و...

3- اقدامات اجتماعی

شهرداری در انتظام امور شهر، با مسایل اجتماعی نیز روبه‌رو شد و اقداماتی انجام داد، همچون: رسمی شدن تعطیلی روز جمعه: از زمان سید ضیال‌الدین روز جمعه برای تعطیلی مسلمانان اعلام شد (بازرگان، 1375: 91) اما چون رسمی و قانونی نشده بود، بخشنامه صادره از وزارت کشور در 4 ماده روز تعطیلی را رسماً «جمعه» اعلام کرد به استثناء «نانوایی، گوشت‌فروشی، خواربارفروشی، رستوران‌ها، گرمابه‌ها و گاراژها» (اطلاعات، 1319: 8)، ممانعت از تولید صدای ناهنجاری در شهر (اطلاعات، 1310)؛ ممانعت از کبوتربازی (اطلاعات، 1320)؛ جمع‌آوری و اسکان فقرا (ایران، 1302: 2)؛ حمایت از ورزش با احداث ورزشگاه (اخگر، 1312)؛ کمک در امر سربازگیری (اطلاعات، 1308)؛ ایجاد مکان مناسب برای مراسم جشن (معارف، س 1314: 19) و...

4- اقدامات بهداشتی

از سال 1926 کلیه مؤسسات صحی مملکتی در «اداره کل صحیه» زیر نظر وزارت داخله متمرکز شد (ایرتم، 1304: 29) مهم‌ترین اقدامات بلدیه در این خصوص عبارتند از: ایجاد پست‌های امدادی (ایران باستان، 1304: 2) و ارائه خدمات مجانی (اطلاعات، 1320: 1)؛ واکسیناسیون مجانی (ایران، 1304: 2)؛ تبدیل حمام‌های خزینه به دوش (اطلاعات، 1316)؛ صدور پروانه کار رسمی برای اطبا (اطلاعات، 1317: 8)؛ کنترل صحیه فواحش (اخگر، 1317)؛ مقابله با استعمال تریاک در قهوه خانه‌ها (ایران، 1304: 2)؛ خشکاندن باتلاق‌های نزدیک شهر، برای مقابله با بیماری‌ها (اطلاعات،

1319: 1؛ جلوگیری از تردد روزانه کودکانها (اخگر، 1304: 3)؛ ایجاد مستراحهای عمومی (ایران، 1302: 2)؛

ممنوعیت حمل حیوان خانگی در معابر عمومی (ایران باستان، 1313: 8)؛ تأسیس رختشوخانه، غسلخانه، مسلخخانه، شیرخوارگاه، بیمارستان و تیمارستان (اطلاعات، 1316: 4)، منبع فروش مواد غذایی توسط دوره گردان، تأسیس آزمایشگاه برای آزمایش بهداشتی بودن مواد غذایی (اطلاعات، 1317: 12)، تعبیه صندوقهای زباله (اطلاعات، 1311: 5) توجه به بهداشت آب آشامیدنی (مؤسسه پژوهش و مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره بازیابی 0-33-3036-114 الف) و...

5- اقدامات اقتصادی

بلدیه به سبب هزینههای فراوانی که داشت، ناگزیر از دخالت در مسایل اقتصادی بود که اهم آن به این ترتیب است: تعیین قیمت اجناس و جلوگیری از احتکار و گرانفروشی (اطلاعات، 1316)، اجباری شدن نصب اتیکت (اطلاعات، 1304: 2) و...، تعیین میزان دستمزد برای مشاغل مختلف (ناهدی، 1307: 10). اصلاح اوزان (اخگر، 1318) تأسیس رستوران و مهمانخانه برای پذیرایی از مهمان خارجی (اطلاعات، 1311: 1)؛ ساخت دکان در خیابانهای جدید، تأسیس نمایشگاه برای عرضه و تبلیغ کالاهای وطنی (ایران، 1304: 2)، تعیین میادین برای عرضه مستقیم کالاها (مؤسسه پژوهش و مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره بازیابی 0-8-6-256-الف)؛ رسیدگی به وضعیت نان و گوشت مردم که در فصول مختلف کمیاب می شد (ایران، 1304: 4) و...

نتیجه گیری

با قدرت گیری رضاشاه برنامه مدرن سازی کشور همراه با پی ریزی دولتی مقتدر براساس آرمانهای ملی گرایانه در دستور کار حکومت قرار گرفت، بخش عمده ای از این برنامه ها و طرحها مورد نظر صاحب نظران و روشنفکران صدر مشروطیت بود، از آن جمله بیانیه حزب دموکرات ایران به رهبری سیدحسن تقی زاده، در اوان جنبش مشروطیت را می توان ذکر نمود، در این بیانیه مطالبات ترقی خواهانه از آن جمله تأسیس مدارس نوین به شیوه غربی جهت تحصیل علوم جدید برای دختران و پسران، تأسیس دانشگاه، و بازبینی قوانین جاری کشور، اعلام زبان فارسی به عنوان زبان ملی و سعی در گسترش فراگیری آن در سراسر کشور، تضعیف قدرت سران عشایر و جلوگیری از دخالت های غیرمردنی ایشان در امور سیاسی کشور و جز اینها. اما به دلیل ضعف عمومی بنیه اقتصادی کشور، فقدان حکومت مرکزی مقتدر، آشوب و هرج و مرج در نقاط مختلف، دخالت دول

استعماری، جنگ جهانی اول و قحطی و فلاکت ناشی از آن، امکان عملی ساختن این دست برنامه‌ها وجود نداشت.

درواقع، در بین سال‌های 20-1300 ش. موج جدیدی از اصلاحات به راه افتاد که تغییر شکل شهرها و تدوین قوانین جدید، باعث تحول اساسی در شهرهای ایران گردید. بازرسان و مفتشین شهرداری با کمک مردم بر اجرای قوانین نظارت داشتند و تمام بنیان‌های شهری اعم از مسایل بهداشتی (حمام، آب، ارزاق و...) قیمت‌ها، ساخت‌وساز، عمران، برق، حمل‌ونقل، ارتباطات و... متحول گردید. شهرهای جدیدی متولد گردیدند هرچند در این بین نارضایتی‌هایی به‌وجود آمده و انتقاداتی هم به تخریب و بازسازی‌های سریع بلدیه وارد شد، اما بلدیه با استفاده از نیروهای نظامی (آژان‌ها و سربازها و گارد بلدیه) مردم را با زور و کشان‌کشان به‌سمت اصلاحات و رعایت بهداشت پیش برد. مقابله مردم با تلقیح واکسن و یا تفکر سنتی آنان در غسل کردن در خزینه و ممانعت از ایجاد دوش‌های بهداشتی در حمام‌ها و... اثبات می‌کند که شهرداری و مأموران آن‌ها چه کار طاقت‌فرسا و مهمی را در ایران سروسامان داده‌اند.

ساماندهی و تأسیس بلدیه موجب نوسازی در وضعیت شهرها و بهبود وضعیت بهداشتی گردید. مازندران، به‌علت همجواری با دریا و شرایط خاص اقلیمی، همواره در معرض مخاطرات ناشی از این وضعیت بود و طغیان آب، بیماری‌های مختلف، و گل‌ولای معابر و عدم نظافت آن‌ها، موجب بروز مشکلاتی برای مردم این منطقه بوده است.

در دوره پهلوی اول و در طی جریان نوسازی که حکومت داعیه آن را داشت، سروسامان دادن به نظم و انضباط عمومی در شهرها، اقبال به برپایی بلدیه‌ها را بالا برد. در راستای رسیدن به این هدف، از سوی حکومت و نیز درخواست اهالی مازندران، بلدیه‌ها در برخی از شهرهای این استان از جمله استرآباد برپا شدند. مدرن‌سازی بهداشتی - درمانی، نیز اقدامی در راستای بالا بردن سطح بهداشت مردم استان‌های مختلف کشور از جمله استرآباد بود و با رشد تدریجی آگاهی فکری، تقاضا برای تأمین امکانات لازم به‌منظور حفظ ارزنده‌ترین دارایی انسان یعنی سلامتی افزایش پیدا کرد. همچنین تغییرات شگرفی در حوزه‌های عمرانی و شهرسازی در این مدت ایجاد گردید که اثرات آن در مناسبت‌های فرهنگی و اجتماعی نیز نمود فراوان داشت که مهمترین آن ایجاد طبقه میانی در جامعه و تغییر رفتار مردم در حوزه‌های مراودات فی‌مابین و شکل‌گیری محفل‌های جدید و مختلف در حوزه‌های فرهنگی بوده است.

منابع و مآخذ

- ابن کربلایی، حافظ حسین. (1383)، **روضات الجنان و جنات الجنان**، تصحیح محمدمامین سلطان القرایی، انتشارات ستوده، تبریز.
- ارجح، اکرم. (1389)، **خانقاه (1)**. در دانشنامه جهان اسلام. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. ج. ۱۴. تهران.
- اکرم، فیلیس و پوپ آرتوراپهام، (1391)، **سیری در هنر ایران: از دوران پیش از تاریخ تا امروز: پیوست‌ها و تعلیقات (جلد 15)**، تهران: نشر شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (آموزش انقلاب اسلامی)
- امامی میبدی، داوود. (1401). «واکاوی معماری خانقاه‌های یزد». **معماری اقلیم گرم و خشک**، 10(15)، 211-231.
- بلر، شیلا و بلوم، جانانان. (1397). **معماری روزگار تیموریان**. ترجمه محمد نخعی. مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: سمت
- بلر، شیلا و جانانان بلوم. (1391). **خانقاه**. در دانشنامه هنر و معماری. ترجمه صالح طباطبایی. تهران: متن.
- پیرنیا، محمدکریم. (1387)، **معماری ایرانی**. تدوین غلامحسین معماریان. تهران: سروش دانش.
- ترابی طباطبایی، سیدجمال. (1384). **آثار باستانی اهر (ارسباران)**. تبریز: ناشر مؤلف
- توسلی، حمیدرضا. (1376)، **آشنایی با خانقاه‌های تاریخی ایران. مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی**.
- دخت موسوی روضاتی، مریم. (1389)، **گنجنامه فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران - دفتر یازدهم: امامزاده‌ها و مقابر**، ترجمه: کلود کرباسی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- دیباج، اسماعیل، (1334)، **راهنمای آثار تاریخی آذربایجان شرقی**، تبریز: چاپخانه شفق.
- حسنی امیر، (1397)، **آشنایی با سبک معماری اصفهانی**، اصفهان: نشر بهریار
- حشری تبریزی، محمدمامین. (1371)، **روضه اطهار**، به تصحیح عزیز دولت آبادی، تبریز: انتشارات ستوده.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی. (1385). **تاریخ مبارک غازانی**. تصحیح: کارن یان. هرتفرد: استفن اوستین .
- زرین کوب، عبدالحسین. (1390)، **تصوّف ایرانی در منظر تاریخی آن**. ترجمه مجدالدین کیوانی. تهران: سخن.
- شفیع زاده، اسداله، و ابراهیمی، محمدرضا. (1400). «تأملی بر ساختارها و تحولات معماری خانقاه و آرامگاه شیخ شهاب‌الدین اهری در قرون ششم تا یازدهم هجری قمری». **پژوهش‌های باستان شناسی ایران (نامه باستان شناسی)**، 11(28)، 243-261.

- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (1372)، «نظام خانقاه در قرن پنجم به روایت ابن قیسرانی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، 26(3-4)، 573-630.
- شهبازی شیران، حبیب، حسینی‌نیا، سید مهدی، کاظم‌پور، مهدی. (1396)، «تحلیل تأثیر اعتقادات عرفان و تصوف بر مضامین و تزیینات کتیبه‌های مسجد کبود تبریز». فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، 3(1): 81-96.
- شهیدی نازنین، قیومی بیدهندی مهرداد. (1392)، «رویکرد تاریخ فرهنگی و امکان و فواید آن در مطالعات معماری ایران». فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی. 5(17): 87-107.
- شیخ الحکمایی، محمد و نژاد ابراهیمی، احد. (1400). «بازشناسی الگوی معماری خانقاه‌های دوره تیموری با نگاهی بر اسناد و متون». معماری اقلیم گرم و خشک، 9(14)، 99-117.
- طلایی، مریم، عفیفی، وحیده، و فهیمی فر، اصغر. (1397). «ارائه طرح مجتمع اخلاصیه هرات (880-880 ه. ق.)». معماری و شهرسازی آرمان شهر، 11(25)، 97-109.
- عدلی، محمدرضا. (1392). صوفیان و بوداییان: سیری در تصوف اسلامی و رهبانیت بودایی. تهران: هرمس
- فردوسی، عادل. (1400). «ارزیابی وضع موجود بقعه شیخ شهاب‌الدین اهری و مشخصه‌های اصلی طرح مقاوم سازی». فصلنامه علمی پژوهشی اساس، 23(64)، 73-82.
- قیومی بیدهندی، مهرداد و سلطانی، سینا. (1400)، «معماری گم‌شده: خانقاه در خراسان سده پنجم». مطالعات معماری ایران، 3(6)، 65-85.
- کارنگ، (1353)، «بقعه شیخ شهاب‌الدین اهری نمونه‌یی از از بناهای عصر صفوی»، یغما، 27(2)(308)، 81-76.
- کریمی ملایر، حامد رضا و گذشته، ناصر. (1396). «عناصر نمادین در معماری خانقاه‌های ایران از سده هفتم هجری تاکنون». مطالعات عرفانی، 13(1)، 63-84.
- کیانی، محسن. (1389). تاریخ خانقاه در ایران. تهران: طهوری.
- محمدکاظم بن محمد، تبریزی (1378)، منظرالاولیاء؛ در مزارات تبریز و حومه، تصحیح میرهاشم محدث، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران.
- مرادی، فرید و بیک ترکمان، اسکندر، (1390)، تاریخ عالم آرای عباسی (دوره 2 جلدی)، تهران: نشر نگاه.
- مستوفی بافقی، محمد مفید، (1385). جامع مفیدی (جلد سوم بخش دوم)، به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر
- منفرد، افسانه. (1389). خانقاه (2) در دانشنامه جهان اسلام. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. ج. 14. تهران.

- نیکزاد، ذات‌الله و دانایی‌فرد، مطهره. (1397). **معماری روزگار مظفریان**. مهرداد قیومی بیدهندی (گردآورنده) معماری 2. تهران: سمت.
- ورجاوند، پرویز. (1385). **خانقاه. در دایره‌المعارف تشیع**. زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی و بهاء‌الدین به کوشش باقرای تالله زاده شیرازی، ج. 5، 379 - 398. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- ویلیبر، دونالدون، (1365)، **معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان**، ترجمه عبدالله فریار، تهران: نشر شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (آموزش انقلاب اسلامی)
- هیلن برند، رابرت. (1385)، **معماری اسلامی: شکل، کارکرد و معنی**. ترجمه باقرای تالله زاده شیرازی. تهران: روزنه.
- یعقوبلو محمد و نژاد ابراهیمی احد، (1398)، «درآمدی بر تأثیر تصوّف بر معماری ایران با رویکرد تاریخ فرهنگی»، **معماری شناسی**، 2(12)، 1-8